



Edited with the trial version of  
Foxit Advanced PDF Editor

To remove this notice, visit:  
[www.foxitsoftware.com/shopping](http://www.foxitsoftware.com/shopping)

## مبحث سوگند در قانون مجازات اسلامی

**201- سوگند عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار خود است.**

سوگند به این معناست که شخص حقیقی خداوند را گواه قرار دهد بر اینکه آنچه اظهار میکند عین واقعیت است. علی رغم قید "گفتار" در این ماده، کسی که سوگند یاد میکند ممکن است علاوه بر گفتار، خداوند را بر اظهارات کتبی خود گواه قرار دهد مثل اینکه شخص لال اظهارات خود را مکتوب کرده و سوگند یاد کند اظهارات وی درست بوده است. همچنان که سوگند شخص لال نیز با کتابت یا اشاره انجام میشود.

**202- ادا کننده سوگند باید عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد.**

از شرایط سوگند، بلوغ، عقل، وجود قصد و اختیار است.

سوگند شخص مجنون پذیرفته نیست.

شخص نابالغ سوگندش پذیرفته نیست. اناث دارای 9 سال قمری و ذکور دارای 15 سال قمری نابالغ محسوبند. سال قمری کمتر از سال شمسی می باشد بنابراین دختر دارای سن 8 سال و چند ماه شمسی؛ معادل 9 سال قمری دارد و سوگند وی قابل پذیرش است. همین حکم راجع به ذکور نیز لازم الرعایه است.

عدم وجود قصد مثل اینکه شخصی به قصد شوخی سوگند یاد کند.



عدم وجود اختیار مثل اینکه شخصی به واسطه اکراه ناچار شود سوگند یاد کند همچون موردی که شخصی را تهدید کنند اگر سوگند یاد نکند برادرش را به قتل خواهند رساند یا مثلاً اگر سوگند یاد نکند عرض وی را هتک کرده و یا نوعی از تحریم های موثر را در مورد او اعمال میکنند.

**203- سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله، بالله، تالله یا نام خداوند متعال به سایر زبانها ادا شود و در صورت نیاز به تغلیظ و قبول اداء کننده سوگند، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان و مکان، الفاظ و مانند آنها تعیین میکند. در هر صورت بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد.**

ادای سوگند تنها با صدور قرار از سوی دادگاه انجام میشود بنابراین اگر کسی آزادانه و متفرقه سوگند یاد کند آن سوگند اعتباری نخواهد داشت. جلاله به معنای بزرگ چیزی یا آنچه بزرگتر از دیگر چیزهاست.

لفظی که در سوگند بکار میرود لفظ جلاله والله، بالله، تالله است و بهتر است در کشور ما نیز اصولاً با این الفاظ سوگند یاد شود اما در صورت تعذر، استفاده از سایر زبانها نیز جایز بوده و اعتبار سوگند مخدوش نخواهد شد. تغلیظ به معنای درشت و بزرگ کردن چیزی بر کسی است.

تشخیص نیاز به تغلیظ با دادگاه است و در صورت نیاز، دادگاه کیفیت ادای تغلیظ را نیز تعیین میکند.



گرچه تشخیص تغلیظ با دادگاه است ولیکن اختیار پذیرش تغلیظ با اداء کننده سوگند است. در صورتی که وی تغلیظ سوگند را نپذیرد دادگاه نمیتواند تحمیل تغلیظ کرده و شخص مزبور به طریق عادی سوگند یاد میکند.

تغلیظ سوگند مثل اینکه دادگاه کیفیت ادای آن را تغیر دهد همچون موردی که سوگند در مشاهد یا مقابر متبرکه، مساجد و سایر مکان هایی از این قبیل اداء شود.

همچنین مواردی مثل ادای سوگند در شب قدر یا اعیاد مذهبی میتواند تغلیظ محسوب شود. بکارگیری الفاظ خاص و متبرکه نیز از مصادیق تغلیظ است.

قید مصرح "زمان و مکان، الفاظ" در ماده مورد بحث حصری نبوده و مواردی غیر از این نیز میتواند مصداق تغلیظ سوگند باشد.

بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد به این معنا که اگر غیر مسلمان نام خداوند جهانیان (الله) را مورد سوگند قرار دهد سوگند وی قابل پذیرش است ولو به دین مبین اسلام روی نیاورده باشد. مفهوم مخالفی که از این ماده قابل استخراج است اینکه اگر غیر مسلمان هنگام یادکردن سوگند نام پروردگار دیگری غیر از خداوند یکتا را استعمال کند سوگند وی نامعتبر و فاقد ارزش قانونی است.

**204- سوگند باید مطابق با ادعا، صریح در مقصود و بدون هرگونه ابهام باشد و از روی قطع و یقین ادا شود.**

از دیگر شرایط سوگند، مطابقت با ادعای مطروحه، صراحت در مقصود، مبهم و مجهول نبودن، و یاد کردن با قاطعیت و اطمینان است.

عدم مطابقت با ادعا مثل اینکه شاکی مدعی شود اموالش به سرقت رفته اما متهم سوگند یاد کند اقدام به ارتکاب ضرب و جرح نکرده است

صریح در مقصود و بدون هرگونه ابهام به این معناست که ادا کننده سوگند وضوحاً و بدون پیچیدگی سوگند یاد کرده و سوگند دچار دو پهلویی نباشد.

از روی قطع و یقین نبودن سوگند مثل اینکه ادا کننده، با تردید یا با حدس و گمان سوگند یاد کند و یا از روی احتمال و ظن اقدام به ادای سوگند کرده باشد.

**205- سوگند باید با لفظ باشد و در صورت تعذر، با نوشتن یا اشاره ای که روشن در مقصود باشد ادا شود.**

اصل بر یاد کردن سوگند با لفظ است. اما در خصوص شهادت ، اصل بر بکاربردن لفظ یا نوشتن است.

در صورت تغذر ادای سوگند با لفظ، سوگند از طریق نوشتن یا فعلی همچون اشاره انجام میشود



در صورت تعذر ادای شهادت از طریق لفظ یا نوشتن، شهادت با فعلی همچون اشاره ادا میشود.

در هر حال سوگند یا شهادت باید صریح در مقصود بوده و در این مورد فرقی نمیکند با لفظ یا فعل یا اشاره انجام شود.

بطور خلاصه:

سوگند = بالفظ ادا میشود. در صورت تغذر، با فعلی همچون اشاره یا نوشتن شهادت = با لفظ یا نوشتن ادا میشود. در صورت تغذر، با فعلی همچون اشاره

206- در مواردی که اشاره، مفهوم نباشد یا قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد میکند آشنا نباشد و یا ادا کننده سوگند قادر به تکلم نباشد دادگاه بوسیله مترجم یا متخصص امر، مراد وی را کشف می کند.

مفهوم نبودن اشاره مثل اینکه قاضی نتواند متوجه شود ادا کننده سوگند از طریق اشاره، آیا واقعا سوگند یاد میکند و یا اشارات او مفهوم دیگری دارد.

آشنا نبودن قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد میکند مثل اینکه ادا کننده سوگند تنها قادر باشد به زبان عربی سخن بگوید اما قاضی به زبان عربی مسلط نبوده و متوجه معانی کلام او نشود.

قادر نبودن ادا کننده سوگند به تکلم، اشخاص لال و امثال آنها را شامل میشود خواه فاقد قوای صوت بوده و خواه صوت وجود داشته فقط قادر به تکلم نباشند.

در هر صورت که قاضی مراد ادا کننده سوگند را کشف نکند از کارشناس استفاده میکند. کارشناس مزبور ممکن است مترجم باشد مثلاً زبان عربی را به فارسی تبدیل کند و یا ممکن است شخصی غیر از مترجم باشد مثل کارشناسی که مراد ایماء و اشارات ادا کننده سوگند را شرح میدهد. گرچه استفاده از کارشناس در اولویت است با این حال متخصص مزبور ممکن است شخصی غیر از کارشناس باشد و قاضی مجبور نیست لزوماً از کارشناس استفاده کند مثل مادری که تنها او مراد ایماء و اشارات کودک خود را می فهمد.

**207- سوگند فقط نسبت به طرفین دعوا و قائم مقام آنها موثر است.**

سوگند نه تنها نسب به طرفین دعوا بلکه نسبت به قائم مقام ایشان نیز موثر است بنابراین در دعوایی که مطرح میشود سوگند میتواند طرف دعوا، ادا کننده و قائم مقام طرفین را تحت تاثیر قرار دهد.

غیر از موارد یاد شده سوگند اثری ندارد مثلاً در دعوای بین شخص الف و شخص ب، اگر الف راجع به شخص ثالثی سوگند یاد کند سوگند او اثری نخواهد داشت.

**208- حدود و تعزیرات با سوگند نفی یا اثبات نمیشود لکن قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرایم، مطابق مقررات این قانون با سوگند اثبات میگردد.**

سوگند در حد و تعزیر اثری ندارد همچنان که حد و تعزیر با شهادت بر شهادت قابل اثبات نیست.

حدود و تعزیرات، نه تنها با سوگند اثبات نمی شود بلکه نمیتوان حد و تعزیر را با سوگند نفی نمود؛ به عنوان مثال نمی توان در صورت کمبود شاهد یا سایر ادله، ارتکاب زنا را با سوگند اثبات کرد همچنان که متهم نیز نمی تواند برای رد اتهام خود، متوسل به سوگند شود. در جرایم مستوجب تعزیر نیز به همین ترتیب عمل میشود مثلاً جرم خیانت در امانت با سوگند قابل اثبات نبوده و در صورت ورود اتهام نیز نمیتوان اتهام را با سوگند رد نمود.

دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرایم همگی جنبه مالی داشته و با سوگند قابل اثباتند. قصاص نیز با سوگند قابلیت اثبات دارد و در موارد متعددی قصاص تبدیل به دیه شده و جنبه مالی پیدا میکند حال آنکه حد و تعزیر جنبه مالی نداشته و همواره مجازات تلقی میشوند.

بطور خلاصه:

حد و تعزیر: با سوگند و با شهادت بر شهادت قابل اثبات نیست.

قصاص، دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرایم: با سوگند و با شهادت بر شهادت قابل اثبات است.

209- هرگاه در دعاوی مالی مانند دیه جنایات و همچنین دعاوی که

مقصود از آن مال است مانند جنایت خطایی و شبه عمدی موجب دیه، برای



مدعی خصوصی امکان اقامه بینه شرعی نباشد وی میتواند با معرفی یک شاهد مرد و یا دو شاهد زن به ضمیمه یک سوگند، ادعای خود را فقط از جنبه مالی اثبات کند.

دعاوی مالی یا دعاوی که در نهایت به منفعت مالی ختم میشوند اولویت با اقامه بینه شرعی است ولی اگر مدعی خصوصی به دلیل عدم دسترسی به گواه یا امتناع شهود و یا به هر علت دیگر "امکان اقامه بینه نداشت میتواند یک شاهد مرد و یا صرفاً دو شاهد زن معرفی کرده و خود سوگند یاد کند تا ادعایش ثابت شود.

بطور خلاصه اثبات دعاوی مالی یا آنچه مقصود از آن مال است:

دو شاهد مرد و یا

یک شاهد مرد به همراه سوگند مدعی خصوصی و یا

دو شاهد زن به همراه سوگند مدعی خصوصی

لازم به ذکر است دیه جنایات و جنایت خطایی و شبه عمدی موجب دیه که در این ماده تصریح شده، حصری نیست و مواردی مشابه آن نیز میتواند مشمول ماده شود.

ادعای مدعی خصوصی با تحقق شرایط فوق تنها از جنبه مالی قابل اثبات است.



مدعی خصوصی بزه دیده ای راگویند که جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه میکند.

تبصره - در موارد مذکور در این ماده، ابتدا شاهد واجد شرایط شهادت میدهد و سپس سوگند توسط مدعی ادا می شود.

باتوجه به در دسترس بودن مدعی و احتمال عدم دسترسی به شاهد، وضع این تبصره از این جهت نیز موثر است چرا که اگر مدعی سوگند یاد کند و پس از آن شاهدی یافت نشود مدعی اقدام به انجام کاری لغو و بیهوده کرده است.

**210-** هرگاه ثابت شود سوگند دروغ و یا اداکننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی شود.

سوگند دروغ یا نداشتن شرایط قانونی برای ادای سوگند، مانع پذیرش سوگند است و فرقی نمیکند قبل از ادای سوگند یا بعد از آن، دروغ یا فقدان شرایط ثابت شده باشد. در موارد اثبات دروغ بودن سوگند یا فقدان شرایط ادا کننده، اگر حکم قطعی صادر شده باشد مورد از موارد اعاده دادرسی خواهد بود.



Edited with the trial version of  
Foxit Advanced PDF Editor

To remove this notice, visit:  
[www.foxitsoftware.com/shopping](http://www.foxitsoftware.com/shopping)